



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲ نامبر: ۸۸۸۸۰۰۷۱۹-۹ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۶۵۸۵۷۵ امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۳۳ توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۱۸۳۱۳۰ چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۸۰۶۲۷۶ www.sharhnewspaper.ir

تهران : اذان ظهر:۱۱:۱۴ اذان مغرب ۲۰:۳۲ اذان صبح فردا ۴:۰۹ طلوع آفتاب ۵:۵۲

شرق

روزنامه

شنبه ۶ خرداد ۱۳۹۱ ۴ رجب ۱۴۳۲ ۲۶ می ۲۰۱۲ ۴۰۱۲ سال نهم شماره پیاپی ۱۵۳۸ شماره ۶۱۴ دوره جدید ۱۲ صفحه ۲۲ صفحه ضمیمه

نقد فرهنگ

«مستند»‌های برتر سال ۱۳۹۱



روبرت صافاریان

■ سال‌هاست که فیلم «مستند» جزئی از رسانه تلویزیون است. جای نمایش فیلم مستند، تلویزیون است و در دنیا هم فیلم‌های مستندی که اکران عمومی می‌شوند درصد اندکی از تولید این نوع فیلم را تشکیل می‌دهند. در ایران، به سبب دشواری‌هایی که در راه برقراری یک رابطه حرفه‌ای ادامه‌دار میان مستندسازان و تلویزیون وجود دارد، مستندسازی به کاری تبدیل شده است با مخاطب اندک که گاهی رنگ محفلی به خود می‌گیرد و مه‌هذا با جان‌سختی مثال‌زدنی به حیات خود ادامه می‌دهد. سه سایت «پیک مستند»، «رای بن مستند» و «مستند» چند سالی است که محلی فراهم کرده‌اند برای نقد فیلم‌های مستند، بحث درباره مشکلات سینمای مستند و همین‌طور بحث‌های نظری درباره تأثیرات تکنولوژی دیجیتالی بر فیلمسازی، جایگاه عناصری مانند گفتار و مصاحبه و مواد آرشیوی در ساخت فیلم مستند و فیلمسازی تک‌نفره، همین سه سایت سال گذشته برنامه‌ای تحت عنوان مستند برتر سال برگزار کردند که در واقع یک نظرخواهی نسبتاً گسترده از هیات داورانی متشکل از نویسندگان سینمایی علاقه‌مند به سینمای مستند و فیلمسازان مستند بود. ۱۰ فیلم مستند برتر سال ۱۳۹۰ انتخاب شده و فهرست‌شان اینک در سه سایت یادشده و سایت **mostanadebartar.com** موجود است. ویژگی این برنامه شفاف بودن آن است. رای هریک از داوران جداگانه اعلام شده‌است و همین‌طور نام داورها و جدول جمع‌بندی امتیازات.

در سینمای مستندی که می‌کوشد از سطح تولید انبوه و فلای‌ای فراتر برود، همه چیز سیال و قابل بررسی است. فرمول‌های جاافتاده بسیار اند کاند و تجربه‌اجتناب‌ناپذیر است و تجربه‌کردن و به‌کارگیری عناصر مستندسازی در ترکیب‌های تازه‌تر برای بیان اندیشه‌ها و احساسات نو در جریان است. در دو فیلم از مستندهای برتر سال ۱۳۹۰ (پیر پسر ساخته مهدی باقری و ۲۱ روز و من ساخته شیرین برق‌نورد)، مستندساز خودش جلوی دوربین قرار می‌گیرد و موضوع اصلی فیلم است و در دو فیلم دیگر (خانه من ساخته محسن امیرپوسفی و سالیانچرخوانی در پارک شهر، ساخته پیروز کلاتری) فیلمساز با گفتار مفصل موضوع خود را تفسیر می‌کند و احساسات و فکرهايش را با بیننده در میان می‌گذارد و حضور اندکی هم در تصویر دارد. البته در این فیلم‌ها تنها با بیان مسایل شخصی روبه‌رو نیستیم و از ورای آنها مسایل اجتماعی مانند مسکن یا نگرش فلسفی به پچه‌دار شدن، روابط جوانان با خانواده یا رابطه فضاهای شهری و انسان نیز به بیان در می‌آیند. حسن این فیلم‌ها این است که قابلیت نمایش در تلویزیون را دارند، یعنی تجربی به معنای اکسپریمنتال و مخصوص تماشاگر خاص نیستند. این فیلم‌ها پرسش‌هایی نیز از این دست دامن می‌زند که آیا ادامه این مسیر سینمای مستند ما را از عینی‌گرایی که خاصیت سینمای مستند است، دور نمی‌کند؟

اکنون نگاه کوتاهی به فیلم برتر سال ۱۳۹۰ «خانه من» ساخته محسن امیرپوسفی می‌اندازیم. محور خانه من جست‌جوی فیلمساز برای خرید خانه است. او ما را در این جست‌وجو در بنگاه‌ها و محلات گوناگون همراه و با انواع و اقسام خانه‌ها و محله‌ها و معماری آشنا می‌کند. به تدریج که جلو می‌رویم، یک بعد درونی و ذهنی نیز به کار افزوده می‌شود. برادر جوان فیلمساز درک نمی‌کند که خانه به چه جز و در دیوارش چیز دیگری هم هست. جای دیگری، یکی از فروشندگان خانه تصویرهای ویدیویی عروسی‌شان را در خانه‌ای که می‌خواهد بفروشد، نشان خریدارهای دوربین به دست می‌دهد. در شرایطی که جست‌وجو به دنبال خانه در جریان است، شاهد تظاهرات انتخاباتی در خیابان‌ها هستیم و خریدار ما بیش از آنکه نگران آن رویدادها باشد نگران تأثیر آنها روی قیمت خانه است. شاهکار، پایان فیلم است. خریدار ما به یکی از خانه‌هایی که در بازدید اول از دیوارهای مصنوعی و پارکینگ ناچورش ابراز انترجار کرده است، رضایت می‌دهد و تصمیم می‌گیرد به دیوارها دست نزند و پارکینگ را از راه قرارمعداری با همسایه قبایل استفاده کند و به این ترتیب خانه‌دار شود. در این مقطع امیرپوسفی سهل و ساده انگشت روی چیزی در سرشت انسان می‌گذارد که همانا آشتی با واقعیت (توجیه کوتاه آمدن) و کنار گذاشتن ایده‌آلیسمی است که زمانی آن اندازه مهم می‌نمود. این تسلیم وجهی مبهم دارد. بد است، چون تلخ است و خوب است، چون واقع‌بینانه‌است.

گفتنی است خانه من در جشن خانه سینما اساساً به مسابقه راه پیدا نکرد. این تفاوت از نشان می‌دهد که هرچه تعداد این گونه جایزه‌ها و انتخاب‌ها بیشتر باشد، خطر بی‌توجهی به کارهای بارزش کمتر می‌شود.

شرق: سیاه شدن تابلوی کوچک «خانه سینما» ادامه تاکید بر انحلال «خانه سینما» از سوی «شورای فرهنگ عمومی» به ریاست وزیر ارشاد، توضیحات رییس «دیوان عدالت اداری» درباره شکایت دو مرجع از «خانه سینما»، آغاز به کار «خانه سینما» با دیدار از جانیازان جنگ در سالروز آزادی خرمشهر، دریافت حکم دیوان عدالت اداری توسط وکیل «خانه سینما» بخشی از توفیقی است که خبری شدن حکم ابطال انحلال «خانه سینما» در بین سینماگران و مسوولان به وجود آورد. در این مدت، ابهام و تناقض تاروپود اصلی اظهارات بود. حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری رییس دیوان عدالت اداری در گفت‌وگو با «فارس» ضمن تاکید ابطال بر حکم انحلال «خانه سینما» از سوی وزارت ارشاد سعی کرد بخشی از این ابهامات را برطرف کند: «انحلال «خانه سینما» در دو مرجع صورت گرفته است که از تصمیم شورای فرهنگ عمومی شکایت نشده است و چون شکایتی نشده، دیوان عدالت اداری هم فارغ از رسیدگی بود و اظهارنظری نسبت به اثبات یا نفی آن نکرده است. در نتیجه چنانچه شورای فرهنگ عمومی مدعی باشد که تصمیم آن قطعی و لازم‌الاجرا است، این تصمیم قطعی خواهد بود. اگر از تصمیم شورای فرهنگ عمومی هم شکایت شده و آن هم نقض شده بود، حرف مسوولان «خانه سینما» مقداری قابل قبول بود‌اما چون شکایتی نشده است در نتیجه این ابهام وجود دارد.» به این ترتیب وی خطاب به مسوولان ارشاد گفت: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم اگر بخواهد حکم انحلال پابرجا باشد، باید دوباره جلسه برگزار کند و با رعایت موازین قانونی تصمیم بگیرد که «خانه سینما» باشد یا نباشد.» بلافاصله دبیر شورای فرهنگ عمومی به مکاتبات بین این شورا و «خانه سینما» بر رد اساسنامه این نهاد اشاره کرد و گفت: «به دلیل عدم وجاهت قانونی اساسنامه «خانه سینما»، همچنان حکم انحلال آن قطعی و لازم‌الاجرا است.» اما جمال کوچکی خندان وکیل «خانه سینما» با ارسال فکسی، ضمن اشاره به قوانین و مقررات متعدد نوشت: «به موجب قوانین و مقررات، شورای فرهنگ عمومی صلاحیت قانونی جهت

درباره یازدهمین دوره جایزه ادبی «گلشیری»

تداوم جایزه‌های خصوصی

دوره جایزه گلشیری در یک جمع خصوصی در خانه هوشنگ گلشیری برگزار شد. شور و شوق بسیاری از نویسندگان جوانی که از روزی که داستان نوشته‌اند، آرزوی دریافت جایزه گلشیری را داشتند، اهمیت این جایزه را نشان می‌دهد. من کتاب‌های داوری‌شده در جایزه امسال را خوانده‌ام اما چون همه را دقیق نخوانده‌ام فعلاً از جزئیات آنجا نمی‌گویم. اما به خوبی می‌دانم که احمد غلامی، یکی از برگزیدگان جایزه‌امسال به‌خصوص در نوشتن یک نوع زبان: زبان مجاوره‌ای، قدرت و تبحر بسیاری دارد. همچنین در نوشتن از تجربه جنگ ایران و عراق چقدر خوب و قوی می‌نویسد و ابوتراب خسروی، دیگر برگزیده جایزه نیز سبک و سیاق خاص خود را دارد. او در کار اخیرش «کتاب ویران» نیز همان‌طور که در تقدیرنامه‌اش آمده، در خلق «زبان» و فضای تازه، «فراواقعیت» موفق بوده است.

نگاه

ضیا، موحد

از اعضای بنیاد گلشیری



ادامه ابهام و تناقض درباره لغو حکم انحلال «خانه سینما»

آغاز فعالیت رسمی «خانه سینما» از امروز

شور: سیاه شدن تابلوی کوچک «خانه سینما» ادامه تاکید بر انحلال «خانه سینما» از سوی «شورای فرهنگ عمومی» به ریاست وزیر ارشاد، توضیحات رییس «دیوان عدالت اداری» درباره شکایت دو مرجع از «خانه سینما»، آغاز به کار «خانه سینما» با دیدار از جانیازان جنگ در سالروز آزادی خرمشهر، دریافت حکم دیوان عدالت اداری توسط وکیل «خانه سینما» بخشی از توفیقی است که خبری شدن حکم ابطال انحلال «خانه سینما» در بین سینماگران و مسوولان به وجود آورد. در این مدت، ابهام و تناقض تاروپود اصلی اظهارات بود. حجت‌الاسلام محمدجعفر منتظری رییس دیوان عدالت اداری در گفت‌وگو با «فارس» ضمن تاکید ابطال بر حکم انحلال «خانه سینما» از سوی وزارت ارشاد سعی کرد بخشی از این ابهامات را برطرف کند: «انحلال «خانه سینما» در دو مرجع صورت گرفته است که از تصمیم شورای فرهنگ عمومی شکایت نشده است و چون شکایتی نشده، دیوان عدالت اداری هم فارغ از رسیدگی بود و اظهارنظری نسبت به اثبات یا نفی آن نکرده است. در نتیجه چنانچه شورای فرهنگ عمومی مدعی باشد که تصمیم آن قطعی و لازم‌الاجرا است، این تصمیم قطعی خواهد بود. اگر از تصمیم شورای فرهنگ عمومی هم شکایت شده و آن هم نقض شده بود، حرف مسوولان «خانه سینما» مقداری قابل قبول بود‌اما چون شکایتی نشده است در نتیجه این ابهام وجود دارد.» به این ترتیب وی خطاب به مسوولان ارشاد گفت: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم اگر بخواهد حکم انحلال پابرجا باشد، باید دوباره جلسه برگزار کند و با رعایت موازین قانونی تصمیم بگیرد که «خانه سینما» باشد یا نباشد.» بلافاصله دبیر شورای فرهنگ عمومی به مکاتبات بین این شورا و «خانه سینما» بر رد اساسنامه این نهاد اشاره کرد و گفت: «به دلیل عدم وجاهت قانونی اساسنامه «خانه سینما»، همچنان حکم انحلال آن قطعی و لازم‌الاجرا است.» اما جمال کوچکی خندان وکیل «خانه سینما» با ارسال فکسی، ضمن اشاره به قوانین و مقررات متعدد نوشت: «به موجب قوانین و مقررات، شورای فرهنگ عمومی صلاحیت قانونی جهت

ادامه‌از صفحه اول

جایزه‌های که هنوز هست

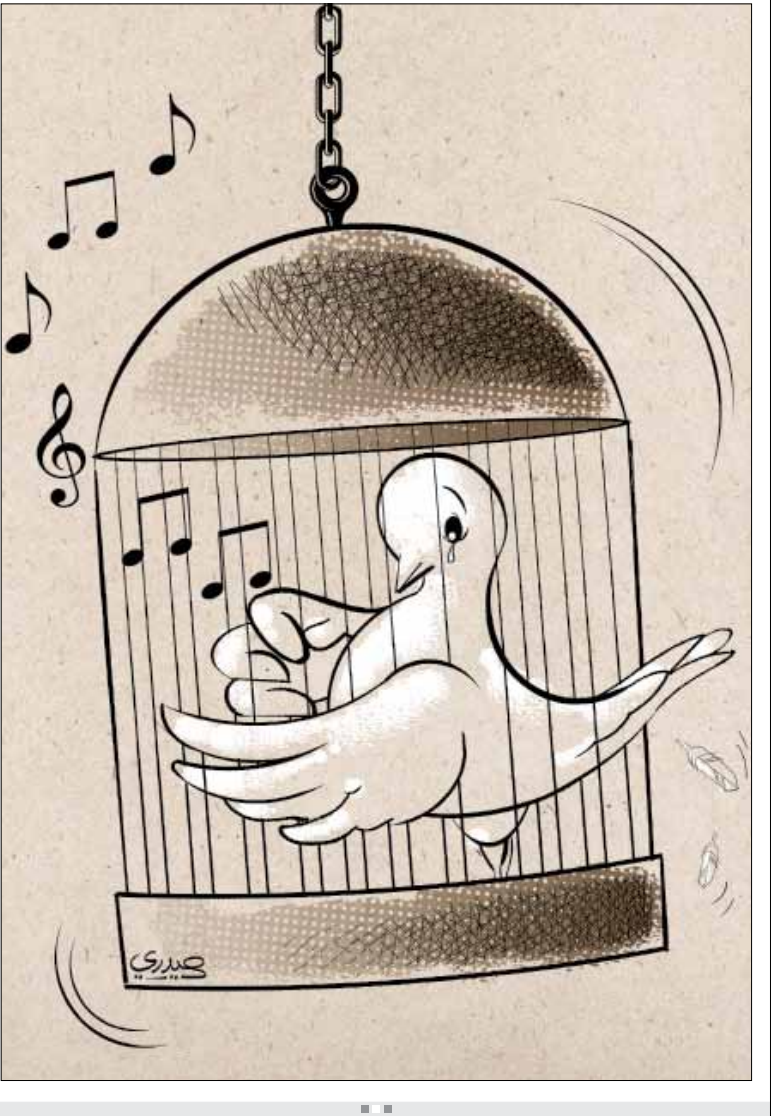
این متن به امضای یونس تراکمه، علی خدایی و محمدحسن شهسپوری‌رسید.

پس از آن، جوایز این دوره از جایزه گلشیری به برگزیدگان اهدا شد. در این دوره جایزه بهترین مجموعه داستان به دو کتاب «آدم‌ها» نوشته احمد غلامی و «کتاب ویران» نوشته ابوتراب خسروی اهدا شد. احمد غلامی جایزه‌اش را از دست بابک احمدی گرفت و پس از آن گفت: ادبیات گلشیری نیازی به معرفی ما ندارد. آنچه امروز از گلشیری باید آموخت پایبندی او به اصول است. متأسفانه در جامعه امروز ما چنین پایبندی‌ای وجود ندارد و افراد به راحتی اصول خود را زیر پا می‌گذارند بی‌آنکه در برابر آن چیزی به دست بیاورند. هیات داوران توفیق در خلق روایت آدم‌های به حاشیه‌رانده‌شده که غالباً نادیده مانده یا فراموش شده‌اند، خلق گنجینه‌ای رنگارنگ و جهانی به یادماندنی و زندگی‌هایی نامنام، توفیق در تنیدن طنزی تلخ و نهان در روایت و پاشیدن گردی از خوش‌باشی خیامی و فرجام‌ترازیک شخصیت‌ها، انتخاب نظرگاهی درخور و نگاهی تیزبین و برکناری از داورۃ‌های اخلاقی و خلق زبانی موجز و درخور در اغلب داستان‌ها را از جمله دلائل اهدای جایزه این دوره به آدم‌های احمد غلامی عنوان کرد. ابوتراب خسروی نیز پس از گرفتن جایزه‌اش از ضیاء موحد، ابراز خوشحالی کرد که این جایزه خصوصی در زمانه‌ای که داستان نوشتن دشوار است همچنان به راه خود ادامه می‌دهد و نویسنده‌ها

نگاه

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



تولدی دیگر

تولدت مبارک ماسترو

نویسنده بسیار تأثیر‌گذاری بود. از تأثیر او در ادبیات جهان که بگیریم در همین حال و هوای خودمان هم رد پای آثار او را می‌بینیم: از تقلید و نسخه‌برداری و تغییر شکل ظاهری آثارش تا خلق داستان‌هایی با آن حال و هوا، استفاده از اصطلاحات و عنوان‌های داستان‌های او در ادبیات هم کم نبود. یکی از مترجمان آثار او «هاروکی موراکامی» است که به‌شدت تحت‌تأثیر کارور قرار دارد. حتی عنوان داستان وقتی از دو حرف می‌زیم از چه حرف می‌زیم هم گره‌بردارۃ از عنوان وقتی از عشق حرف می‌زنیم از چه سخن می‌گوییم است. این روزها که به سالروز تولد او نزدیک می‌شویم من شده‌ام فامیل نزدیک او. البته فامیل دور هم دارد. برای تس گالاگر نوشتیم که روزنامه‌ها و مجله‌های ایرانی به مناسبت تولدش هر کدام به فراخور برنامه‌ای تدارک دیدند. بسیاری خوشحال شد. گفت ری هم دوست داشت که دوستش بدارند. او عاشق زندگی بود. تس که حالا بین خانه مشترکشان و ایرلند در رفت و آمد است خود هم شاعر است و هم داستان‌نویس و مترجم. یکی دو اثر مشترک دارند و دو اثر متأثر از هم. کارور عاشق زندگی، برای همین هم وقتی با پدیده‌های به نام اعتیاد به الکل مواجه شد که زندگی‌اش را به خطر انداخت، به کمک همسرش تس قدم زد برپای آن ایستاد. داستان‌هایش را بازنویسی کرد. در بخش مجموعه داستان اول، کلا کدوسی‌فره برای مجموعه داستان «خواب با چشمان باز» و امیرحسین یزدانید برای مجموعه «برتره مرد ناتمام»، از علی‌اشرف درویشیان و یزدانید جایزه‌اش را از سیمین بهمهانی گرفت و جایزه بخش رمان اول نیز برای رمان «زیر آفتاب خوش‌خیال عصر»، توسط فرهاد توحیدی به جیران اهدا شد. بنیاد گلشیری امسال در بخش رمان، هیچ کتابی را به عنوان برنده اعلام نکرد و این در حالی بود که سه رمان «رام‌کننده» محمدرضا کاتب، «لب بر نیخ» حسین سنناپور، «سمه کامل می‌شود» فریا وافی و «خنده شغال» وحید پاکطینت در این بخش به مرحله نهایی راه یافته بودند. اما گفته شد که فاصله زیاد رای داوران این‌س بخش انتخاب بهترین رمان را ناممکن کرد. این اتفاق البته انتقادهایی را هم به همراه داشت از جمله اینکه جایزه ندادن خلاف آیین‌نامه بنیاد گلشیری است.

یازدهمین دوره جایزه گلشیری با حضور بهمن فرمان‌را، بابک احمدی، علی‌اشرف درویشیان، سیمین بهمهانی، ضیاء موحد و حسین کریمی (مدیر انتشارات نیلوفر) و… برگزار شد. قرار بود در این دوره، از محمود دولت‌آبادی نیز تجلیل شود که به دلیل در سفر بودن دولت‌آبادی، این مراسم تجلیل برگزار نشد.

یازدهمین شماره ماهنامه کارتون و طنز فرمان‌را، بابک احمدی، علی‌اشرف درویشیان، سیمین بهمهانی، ضیاء موحد و حسین کریمی (مدیر انتشارات نیلوفر) و… برگزار شد. قرار بود در این دوره، از محمود دولت‌آبادی نیز تجلیل شود که به دلیل در سفر بودن دولت‌آبادی، این مراسم تجلیل برگزار نشد.

دوازدهمین شماره ماهنامه کارتون و طنز خطخطی منتشر شد. شماره خردامه خط‌خطی با طنزهای متنوع و کارتون‌های دیدنی، میهمان خانه‌های مخاطبان خود است. حجم ای‌میل‌ها و پیامک‌های رسالی مخاطبان به حدی بوده که این شماره در دو صفحه «سین‌جیم» به آنها پرداخته

تقدیر از «حمید سمندریان» در تئاتر شهر

در مراسم اختتامیه اردیبهشت تئاتر ایران از «حمید سمندریان» تقدیر می‌شود. در مراسم اختتامیه اردیبهشت تئاتر ایران که امروز، شنبه ششم خردادماه، برگزار می‌شود «جمشید مشایخی» و «داود رشیدی» از حمید سمندریان تقدیر خواهند کرد. این مراسم ساعت ۱۷:۳۰ در تالار اصلی تئاتر شهر برگزار می‌شود. در این جشن از قطب‌الدین صادقی، سعدی افشار، محمد چرم‌شیر و محمود استادمحمد نیز تقدیر می‌شود. جشن اردیبهشت تئاتر ایران همه ساله در اردیبهشت‌ماه و به مناسبت بزرگداشت روز جهانی تئاتر در تمامی استان‌های کشور برگزار می‌شود.

فلک الافلاک

وسمق، یک جایی همین‌جا

بهمن فروتن



■ امروز می‌خواهم برایتان یک مطلب ساده بنویسم، مطلبی که شاید شما خوش‌تان نیاید چون نه اتفاق جالب‌توجهی در این مطلب می‌افتد و نه حرف جالب توجهی زده می‌شود. تعریف یک روز و یک شب است. پنجشنبه حرکت کردیم. اول رفیق شهرک پرند. دوستانم می‌خواستند سد مسکن مهرشان را بگیرند. من در ماشین ماندم و چند تا تلفن زدم. کنار پیادهرو به ردیف، درختان توت بود. دیدم توت‌های رسیده هم هست. پیاده شدم و زدم به توت‌خوری. درست به فاصله یک بازو، چند تا گنجشک هم مشغول بودند. انگار نه انگار، البته نه اینکه ما اصلاً تحویل بگیرند، یک‌طوری بود که می‌شد تصور کرد گنجشک‌ها در نمی‌روند چون می‌گویند این یارو هم دار توت می‌خورد و چون توت می‌خورد پس ما را نمی‌خورد، به همین دلیل هم نمی‌ترسیدند. البته من هم از توت‌های طرف خودم می‌خوردم و به توت‌های طرف آنها کاری نداشتم. گاه، چشم در چشم می‌شدیم و من به‌وضوح می‌دیدم که ترس و وحشتی در کار نیست، فقط توت‌خوری بود.

دوستان خیلی خوشحال برگشتند چون به قیمت مناسب صاحب مسکن شده بودند. شهرک قشنگی بود با گنجشک‌های توت‌خوری که از آدم‌هایی ترسیدند. سوار شدیم و رفتم. ۴۰ کیلومتری سلوه. پیچیدیم دست راست به طرف مأمونیه. به مأمونیه که رسیدیم تگه داشتیم و خرید کردیم. چه پیاز و سیب‌زمینی‌هایی، گوجه‌سبز، زردآلو، گوجه‌فرنگی، چقدر ارزان و چه طعم و بوی، رفتم قصابی یا دنده گوسفند هم گرفتم برای کباب. کمی پایین‌تر هم نان بربری برشته‌اصل با‌بوی نون واقعی و سوار شدیم و رفتم وسط‌کوه‌ها. به کوهی رسیدیم که شکل یک دماغ عقابی بود. اینجا وسمق بود، دهی با ۲۵۹ نفر جمعیت. به در خانه که رسیدیم دو تا گوسفند را دست و پا بسته خوابانده بودند روی زمین. دل‌مان سوخت! گفتیم آخی دارند سرشان را می‌پرند ولی اشتباه می‌کردیم، سربری نبود، داشتند پشم‌شان را می‌زدند. زن و مرد و بچه مشغول کار بودند و خیلی علاقه‌مند. به ما توضیح دادند و حتی می‌خواستند یک گونی پشم به ما هدیه بدهند. اول از همه چند پیاله آب خوردیم چون می‌گویند این آب یخِ سنگ را هم آب می‌کند و راه اندام به طرف «کیکان» ستر قنات، تا نهار را آنجا بخوریم. چند خانواده روستایی هم آنجا بودند. آنقدر با محبت که به ما یک کیسه چای کوهی هدیه کردند و چایلادمان سر درخت کباب دنده چسبید و چای کوهی که کاری به آهن دنده‌ها نداشت. همانجا زیر درخت‌های با‌دام و کنار شر و شر قنات خوابیدم. چه خوبی که وقتی بیدار شدیم انگار که صد سایل نبوده‌ای، گم شده‌ای، محو شده‌ای، بهوش شده‌ای، نیست شده‌ای و انگار که یکدفعه پیدا شده‌ای و شدیداً احساس می‌کنی که هستی، ولی به‌دور از همه آن چیزهایی که شهرش می‌گویند. من آدم اصل قدیمی هستم و با همه وجود از مدرنیت پدم می‌آید و به شما هم کاری ندارم و کل کل هم نمی‌کنم که مثلاً زمان ما بهتر بود، شما تا آنجایی که عشق‌تان است با مدرنیت حال کنید. من وسمق را دوست دارم چون اینجا می‌توانم ده‌ها سال از کنار باغ‌ها به «کیکان» بروم و طلوع آفتاب را ببینم و برگردم و غروب آفتاب را ببینم و وقتی می‌خوایم گم شوم و هیچ‌وقت به‌دلیل مدرنیت از خواب نبرم و هرگز به سیاست‌های تلویزیون‌الی فکر نکنم، در ریزر سایه در خت‌های با‌دام از همه این دستکاری‌ها و بحران‌ها و تحریم‌ها و فسادها در امان باشم ولی، حیف که عاشقم و عشقم در شهر است. اگر وسمق یک زمین فوتبال داشت و یک تیم، دیگر به شهر بر نمی‌گشتم و همین‌جا در وسمق می‌ماندم. چه کار کم؟ فکر می‌کنم من دچار یک نوع عقیافتادگی هستم و آن چیزهایی را دوست دارم که در مدرنیت نیست و در وسمق هست.

برش از اخبار

برگزیدگان جایزه «جورج اورول» معرفی شدند

■ ایستادن‌دگان‌سه‌بخش‌بهترین‌کتاب، روزنامه‌نگاری و وبلاگ‌نویسی جایزه «جورج اورول» در حالی معرفی شدند که سردبیر روزنامه «دیلی میل» با رمانی درباره جنگ افغانستان موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب سیاسی سال شد. کتاب «بوی هاردن» که «قیام مردان مرده» نام دارد، درباره مرگ یک افسر انگلیسی در افغانستان به نگارش درآمده است. به گزارش بی‌بی‌سی، طی این مراسم جایزه‌ای نیز برای احترام به «کریستوفر هیچنز»، نویسنده قنبد که با آخرین کتابش لم‌زد دریافت این جایزه شده بود، در نظر گرفته شده بود. برندگان دو بخش این جایزه معتبر سیاسی مبلغ سه‌هزار پوند دریافت کردند. جایزه بخش روزنامه‌نگاری به «آملیا چمتلن» که در گاردین فعالیت دارد، تعلق گرفت. «رنجرز تکسی کیس» نیز به عنوان برنده جایزه وبلاگ‌نویسی جورج اورول معرفی شد. برندگان این جوایز از میان شش کتاب، شش روزنامه‌نگار و هفت وبلاگ‌نویس که به مرحله نهایی راه یافته بودند، برگزیده شدند.